



# مروری بر مناسک صابئین مندائی با محور آب

راضیه محب

دانشجوی کارشناسی ارشد ایران‌شناسی (فرهنگ و مردم)

## مقدمه

استان خوزستان با مساحتی حدود ۶۴۲۳۶ کیلومتر مربع، در جنوب غربی ایران و در محدوده ۴۷ درجه و ۴۲ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۳۹ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و ۲۹ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۳۲ درجه و ۵۸ دقیقه شمالی از خط استوا قرار دارد. این استان از شمال به استان لرستان و از شمال شرقی به استان اصفهان، از شمال غربی به استان ایلام، از شرق و جنوب شرقی به استان چهارمحال و بختیاری و استان کهگیلویه و بویراحمد و از جنوب به خلیج فارس و از غرب به کشور عراق محدود می‌شود.

این استان را از جهت پستی و بلندی، می‌توان به دو منطقه کوهستانی و جلگه‌ای تقسیم کرد. منطقه کوهستانی در شمال و شرق واقع شده و منطقه جلگه‌ای، در جنوب دزفول، مسجد سلیمان، رامهرمز و بهبهان آغاز شده و تا کرانه‌های خلیج فارس و اروندرود ادامه می‌یابد.

پیوند خوزستان و خلیج فارس، موضوعی به گستردگی حیات تمدنی آن دارد. واقع شدن این استان در مجاورت خلیج فارس، همواره زمینه‌ای از روابط خاص سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی را برای آن به ارمغان آورده است. بنابراین بی‌راه نرفته‌ایم اگر بر محور خلیج فارس، تاریخ، تمدن و فرهنگ استان خوزستان نیز مورد

توجه قرار گرفته و نمودی از پیوند موضوعی این دو نگین درخشان تاریخ و تمدن ایران به نمایش گذاشته شود.

آب فراوان رودهای کارون، کرخه، جراحی و اروند که از پرآب‌ترین رودهای ایران هستند و ساختار جلگه‌ای استان خوزستان، قابلیت کشاورزی فراوانی در آن ایجاد کرده است. در کنار آن، برخورداری از موقعیت‌های مختلف صنعتی، به این منطقه شرایط ویژه‌ای داده است.

امروزه استان خوزستان، تعدادی از تیره‌های گوناگون انسانی را در بر می‌گیرد. بیشتر مردم این استان، مذهب شیعه دارند، ولی از دیرباز، آیین‌های دیگر هم در این استان پیروانی دارند. بومیان خوزستان بیشتر عرب‌نژاد هستند. دیگر نژادهای بومی این استان، بختیاری، شوشتری و دزفولی هستند. پیروان آیین‌های کهن زرتشتی و نیز کلدانی هم در این استان و به ویژه شهر اهواز، زندگی می‌کنند.

در شهر اهواز، گروهی از صابئین، که به آنها صبی گفته می‌شود، در کرانه رود کارون ساکن و بیشتر به کارهای نیمه صنعتی و زرگری مشغول هستند. در این مقاله ضمن معرفی مختصر این قوم، برخی از آیینهای آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### پیشینه تحقیق

آدم، حاج کاظم پور کاظم، ۱۳۸۰؛ جستجو در تصوف ایران، عبدالحسین زرین کوب، ۱۳۶۹؛ صابئین مندائی، پرویز عجیل زاده، ۱۳۷۶؛ تحقیقی در دین صابئین مندائی، مسعود فروزنده، ۱۳۷۷؛ تعمیدیان غریب، مهرداد عربستانی، ۱۳۸۳ و سایر آثار مکتوب و منتشر شده.

### روش‌شناسی تحقیق

به رغم دوری از محیط جغرافیایی جامعه تحقیق، با حدود دو سال ارتباط با این قوم، به دلیل همکاری بی دریغ بعضی از رهبران مذهبی آنها، دریافت‌های علمی مطلوبی از تفکر، عقاید و مناسک آنها حاصل شد. به این معنی که با روش کتابخانه‌ای و مطالعه منابع و کتاب‌های مقدس، گفت‌وگو با رهبران مذهبی و مشاهده مناسک آنها، جمع‌بندی مطلوبی حاصل شد.

در هر حال، ضبط بیش از چهار ساعت فیلم و تهیه حدود هزار قطعه عکس از مناسک مختلف آنها، جز با بردباری، بزرگواری و پذیرش جامعه مندائی، امکان‌پذیر نبوده است.

### معرفی اجمالی صابئین مندائی

قومی با قدمتی بسیار، قرن‌ها در جنوب ایران و عراق زندگی می‌کنند. آنها خود را صاحب دیانتی خاص و با عنوان «صابئین مندائی» معرفی می‌کنند.

به رغم مطالعاتی که طی سال‌های اخیر درباره دیانت، اعتقادات، موطن اولیه و تاریخ این گروه صورت گرفته، هنوز همچنان پرسش‌ها و تناقض‌های زیادی در مورد آنها وجود دارد. همین موضوع، اهمیت تحقیق و تفحص بیشتر برای شناخت آنها را نشان می‌دهد. این توجه و اختلاف، تا یافتن مفهوم دقیق کلمه صابئین نیز پیش رفته است. در یک جمع‌بندی، می‌توان برای این واژه، مفاهیم زیر را در نظر گرفت:

صب با فتح و تشدید به معنی «ریختن» و «ریخته شدن در آب» است. این واژه معنای «مرد عاشق» نیز می‌دهد. در بعضی

سابقه مطالعه و تحقیق درباره صابئین، در منابع به نیمه دوم قرن ۱۶ میلادی بر می‌گردد. برخی از محققان معتقدند که از نیمه دوم قرن ۱۶ میلادی به بعد، پرتغالی‌ها وارد خلیج فارس شدند و از خوزستان و بصره دیدن کردند. آنها قومی را دیدند که با همسایگان خود از مسلمانان و مسیحیان و یهود از لحاظ اعتقادات دینی و حتی لباس و خوراک تفاوت دارند و ریش‌های بلندشان، آنها را از دیگران متمایز می‌سازد. درباره آنها پرسیدند؛ به آنها گفته شد که آنها خود را صابئه یا پیروان حوض‌های تعمید دهنده می‌دانند و چون پرتغالی‌ها به وطن خود برگشتند از وجود این طایفه گزارش دادند و از این پس، بحث و مطالعات بسیاری صورت گرفت و چندین کتاب و مقاله درباره آنها نوشته شد.

بدیهی است که این تحقیقات، وجوه مختلف زبانی، مذهبی، تاریخی، آداب و رسوم و ... را شامل شده است. نتیجه همه این پژوهش‌ها، همانا شناخت بیشتر این مذهب و مهم‌تر از آن، کشف رمز زبان دینی آنها بود.

مهم‌ترین نتایج این تحقیقات و فعالیت مستشرقین، انتشار کتاب القواعد المندائیه در اواخر قرن نوزدهم توسط «نولدکه» بود. پس از آن، همچنان تحقیق و مطالعه پیرامون این طایفه از نظر مستشرقین دور نمانده است. چنان‌چه خانم «لیدی دراور» پس از سال‌ها مطالعه و تحقیق درباره آنان، کتاب‌های مندائیان ایران و عراق و گرامر مندائی را به زبان انگلیسی انتشار داد. همچنین او بسیاری از منابع دینی صابئین را به انگلیسی ترجمه و منتشر کرد. ویدن گرن، نیکلا راست، میرچا الیاده، رودلف ماتسوخ و ... نیز در همین گروه جای دارند.

محیط طباطبایی و سید حسن تقی‌زاده نیز از جمله محققان ایرانی هستند که درباره این گروه به سلسله بحث‌ها و ارائه مقالاتی در خور توجه پرداخته‌اند. همچنین طی سال‌های اخیر، منابع دیگری در این خصوص منتشر شده است که به عنوان نمونه، برخی از آنها معرفی می‌شوند.

- قوم از یاد رفته، سلیم برنجی، ۱۳۶۷؛ صابئین یا یادگاران

که حامل سنت‌های بسیار قدیمی «گنوستیکی» هستند و به دلیل مدار بسته ارتباطات آنها به جهات قومی مذهبی، بسیاری از خصوصیات، مناسک و اعتقادات را، درون خود نهفته نگه داشته‌اند. در کنار آن، رابطه تنگاتنگ مذهبی و قومی معتقدان این دیانت، شرایط خاصی از روابط درون گروهی را برای آنها به وجود آورده که محافظت از داشته‌های کهن و معتقدات مذهبی را، برای آنها سهل و آسان نموده است.

اقامت طولانی در محدوده جغرافیایی خاورمیانه که مهد تمدن انسانی بوده است و در کنار آن، مهاجرت‌های گروهی آنها در طول تاریخ و استقرار در سرزمین‌هایی چون فلسطین، بین‌النهرین و ایران، اینان را از میراث‌داران تمدن‌هایی عظیم قرار داده است. چنانچه اکثر منابع مهم تاریخی نیز آنها را از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین اقوام بشر دانسته‌اند. این اثر در این مورد نوشته است: «زردشت پیامبر قوم مجوس در زمان بشتاسب ظهور کرد و بشتاسب و پدرانش و سایر فارسیان، قبل از زردشت در دین صابئین بودند.» (ابن اثیر، ج ۱، ص ۱۵۶)

زبان و گویش خاص «آرامی» که مندائیان با آن تکلم می‌کنند و در نوع خود بی‌مانند است، این اهمیت مطالعاتی را افزون می‌کند.

تردید وجود ندارد که در دوره معاصر، مطالعه و تحقیق درباره این گروه، پس از سال‌ها سکوت محققان ایرانی و به دنبال تلاش محققان اروپایی، آغاز شده است. این در حالی است که در بسیاری از منابع کهن ایرانی و قرآن، از این گروه یاد شده و همچنین در بسیاری از منابعی که ایران یا سفر به ایران نوشته شده به آنها نیز اشاره گردیده است.

همچنین از آنجا که قرآن، قدیمی‌ترین منبع درباره صابئین محسوب می‌شود، تفاسیر مختلفی از قرآن کریم که امروزه در دسترس قرار دارد، با توجه به عنوان و نام آنها در آیاتی از قرآن، پیرامون معرفی این طایفه و گروه، مطالبی درخور توجه دارند. در ضمن، منابعی که درباره تاریخ اسلام، تاریخ ادیان، تاریخ خوزستان و ... نیز نگارش شده است از

از منابع صُب به معنی آنچه که از طعام یا آب ریخته می‌شود، معنی شده است.

دهخدا این واژه را عربی و از ریشه «ص ب ع» و به معنای فرورفتن در آب می‌داند. وی با توجه به این معنا، مغتسله را بهترین ترجمه برای این کلمه دانسته است. در عین حال، گاه ریشه «صاووت» عبری، به معنی ستاره را اصل صابی دانسته‌اند و علت این امر، توجه کامل این قوم به اجرام سماوی است.

زمینه دیگری که به وجه تسمیه عنوان این گروه بر می‌گردد، موضوع شجره نسب آنهاست. بنا به تطبیق باورهای آنها با سبائک الذهب، شجره انبیای آنها از آدم آغاز می‌شود و این گونه ادامه می‌یابد: شیث، انوش (که نزد مندائی‌ها نام یکی از ملائکه به نام «انش اثر» است)، قینان، مهلابیل، الیارد، اخنوخ (ادریس نبی که نزد مندائیان هوارا-مازدا یا هُرمز نامیده می‌شود)، متوشلخ، لمک، نوح، سام بن نوح و ...

به عقیده مندائیان، لمک برادری به نام «صابی» داشت که صابئین خود را از نسل او می‌دانند. لذا آنها نیای خود را صابی بن متوشلخ، برادر لمک می‌دانند. (پور کاظم، ۱۳۸۰: ۱۲۰-۱۲۱)<sup>۱</sup>

امروزه در زبان محلی مردم خوزستان، این قوم، «صُبی» نامیده می‌شود. که به ریشه «صب» به معنی «ریخته شده از طعام و آب» نزدیک است. استفاده از آب برای اجرای مناسک، مهم‌ترین دلیل برای ارتباط این لفظ با این قوم است که در ادامه مقاله به آن اشاره خواهد شد. استفاده از عنوان مندائی در کنار صابئین، توسط معتقدان به آن، مفهوم «معرفت» را در کنار معنای «پیروان عرفان» یا «گروندگان به شناخت هستی و عالم» می‌رساند.

این گروه خود را حامل سنت دینی خاصی معرفی می‌کنند که سابقه آن به دورانی بس کهن و تا آدم ابوالبشر می‌رسد. در عین حال، آنها از جمله گروه‌های مذهبی محسوب می‌شوند

۱. حاج کاظم پور کاظم این مطلب را به نقل از «سبائک الذهب، ابولقور محمد امین السویدی، بیروت. دار احیاء العلوم. تا صص ۱۰ تا ۲۰» بیان می‌کند.

سخن پیرامون این گروه مهاجر قدیمی و نحله فکری آنها، تهی نیست.

به رغم قدمت تاریخی این تفکر و فرقه در منابع قرون اولیه میلادی، کمتر به آنها اشاره شده است. تا این که در جریان نهضت ترجمه و در عصر خلافت عباسیان، آنها نیز مورد توجه واقع شده و در دایره مطالعات مذهبی و فلسفی قرار گرفتند.

پس از آن، کسانی چون ابوریحان بیرونی، مسعودی، شهرستانی و ابن ندیم، ضمن بحث درباره آراء و نحل این فرقه و عقاید و مناسک آنها سخن گفته‌اند. موضوع این گروه، سال‌ها خارج از محدوده مطالعات قومی واقع شد تا این که در جریان مطالعات شرق‌شناسی، دوباره مورد توجه قرار گرفته و در سال‌های اخیر، این مطالعات در ادامه روند علمی خود در خارج از ایران و به وسیله محققان ایرانی نیز دنبال می‌شود.

با مراجعه به منابع مهمی که حکایت از تاریخ ایران و کشورهای حوزه غربی آسیا دارند، در می‌یابیم که از دوران قدیم، این مناطق پیوسته چهار راه عبور اقوام و گاه، محل استقرار طوایف گوناگون بوده است.

در این میان، منطقه خوزستان نیز به دلیل موقعیت و استعداد اراضی آن و وفور آب، خاک، کوه، جنگل و مجاورت با دریا، از میان سایر کشورها و مناطق همسایه، بیشتر مورد طمع و حتی هجوم گروه‌های مختلف قرار گرفته است. بنابراین از حدود چهار هزار سال پیش تا به امروز، طوایف مختلف از نژادهای متفاوت بشری در این منطقه وارد و ساکن شده‌اند. بدیهی است این گروه‌ها طی زمان‌های طولانی، گاه منقرض شده و یا تحت تأثیر عوامل جوی یا فشار طوایف دیگر، در دل گروه‌های بزرگ‌تری جای گرفته‌اند.

این قوم نه تنها از اقوام قدیمی تاریخ منطقه معرفی شده‌اند بلکه از زمان استقرار تاکنون، همواره در حیات اجتماعی و اقتصادی منطقه نقش داشته‌اند. به هر حال با توجه به شواهد موجود در محدوده‌ای از تاریخ حیات صابئین، گروهی از آنها که به «مندائیان» مشهور شدند، به دلیل شرایط خاص منطقه خوزستان و امنیت موجود در شهر شوشتر و در عین حال به

دلیل وجود رودخانه جاری که برای انجام مناسک مذهبی آنها از واجبات امر محسوب می‌گردد، در محدوده قرن‌های یازده و دوازده میلادی به این شهر هجرت کردند.

پس از مدتی، به دلایل سیاسی-مذهبی و وجود اختلافات قومی-مذهبی، آنها تحت تعقیب حکام محلی قرار گرفته و دچار مصائب زیادی گردیدند، پس از آن، گروهی مجبور به ترک شوشتر و سکونت در دیگر مناطق خوزستان شدند.

در حال حاضر هم، تعدادی از افراد این قوم در شهرهای اهواز، سوسنگرد، شوشتر، خلف‌آباد، شوش و خرمشهر و خارج از خوزستان زندگی می‌کنند. بدیهی است کسانی که به هر دلیل خارج از شهرستان اهواز بسر می‌برند برای انجام آیین‌های مذهبی مهمی چون تعمید، ازدواج، تعیین ملواشه و غیره، به دلیل دسترسی به بزرگان مذهبی و رودخانه، به اهواز مراجعه می‌کنند.

شغل اغلب آنها زرگری، نقره‌کاری و کارهای نیمه صنعتی و کشاورزی است. از این جهت در حیات اقتصادی منطقه نقش فعال و در عین حال، درون گروهی را بر عهده دارند.

### خاستگاه اولیه صابئین مندائی<sup>۲</sup>

رسیدن به نظریه‌های واحد درباره منشأ صابئین کاری دشوار است. زیرا در اسناد تاریخی مربوط به روایت ملل مجاور آنها، همچون آشوریان، بابلیان، مادها، مصریان، یهودیان و ... نامی از این گروه نیامده است. همچنین از دوره اشکانیان که مندائیان به شدت از آزادی عمل در دوره اردوان، شاه اشکانی، اظهار رضایت می‌کنند، اسنادی باقی نمانده است. بنابراین به نظر می‌رسد تنها منبع در اختیاری که می‌توان به این منظور مورد استفاده قرار داد، روایات اسطوره‌ای متون مندائی است.

در متون مندائی مناطق خاصی به عنوان سرزمین و

۲. این مبحث با توجه به تحقیقات گسترده‌ای که در این موضوع توسط مسعود فروزنده صورت گرفته از کتاب ایشان برداشت شده است. برای اطلاع بیشتر به این کتاب مراجعه گردد: فروزنده، مسعود، ۱۳۷۷. تحقیقی در دین صابئین مندائی. ج. ۱. سماط، تهران. صص ۶۳-۱۰۲.

بین دو حادثه یعنی حاکمیت اردوان و احتمال این مهاجرت می‌تواند قرن‌ها فاصله باشد.

براساس برخی منابع، صابئین به صورت مهاجر و در تبعید، شاید به دلیل آزادی مذهبی، وجود مدارس یونانی و بابلی و دلایل دیگر، مدتی را در حران به سر برده‌اند. پس از آن، در طول دوره‌ای طولانی به مهاجرت خویش به موازات رودخانه‌های دجله و فرات به سمت جنوب بین‌النهرین ادامه داده‌اند. اما هیچ‌گاه از حران به عنوان سرزمین اصلی یا ارض موعود یاد نکرده‌اند.

با توجه به متن آغازین کتاب مقدس صابئین، «گنزاربای راست»، این گروه ابتدا در تضاد با اندیشه‌های ستاره‌پرستانه کلدانی قرار گرفته و به لعن و مردود شمردن آن پرداخته‌اند. اما با توجه به دیگر متون مندائی، این لعن‌ها به تدریج کاهش یافته و این‌گونه تفکرها در متون مندائی رسوخ نموده است.

### متون، خط و زبان مندائی

کتابهای مقدس مندائیان با توجه به موضوع مورد بحث، اهمیت و کاربرد مطالب آنها، به قرار زیر است:

۱- گنزاربا یا صحف آدم: این کتاب حاوی مطالبی در مورد احکام دین، جهان آخرت و چگونگی زندگی آدم، نوح، سام، و یحیی است. «این کتاب شامل ۶۸۵ صفحه و دو قسمت یمین و اسمال است. قسمت یمین شامل اسماء حسنی خداوند، صفات فرشتگان، احکام، چگونگی خلقت، نظم دادن به خلقت، چگونگی منجمد کردن زمین و ایجاد حیات بر آن، خلق آدم و حوا و ظهور حضرت یحیی و چگونگی به وجود آمدن آخرت است. در قسمت اسمال، چگونگی مرگ در زمین، مجازات مردم و دعاهای مختلف برای نشمتای متوفی است.» (خمیسی، ۱۳۸۳: ص ۷۰)

۲- سیدرا اِدنشماثا: این کتاب دعاهای روزانه و چگونگی مراسم را بیان می‌کند. یک حلالی برای ترمیده شدن باید این کتاب را از بر کرده و به متن آن مسلط باشد.

خاستگاه آنها معرفی شده است. از آن جمله «سراندیب» به عنوان محل هبوط آدم، نخستین جایگاه آنها معرفی شده است. البته در این متون، این مکان بدون هیچ‌گونه تشریح شرایط جغرافیایی باقی می‌ماند. با دقت در منابع مندائی می‌توان نتیجه گرفت؛ از آنجا که هیچ نوع اشاره‌ای به مناطق باستانی هند و رودهای گنگ و سند و ... در این منابع نشده و در عین حال، اختلاف بسیار آشکار آیین‌های هندی و مندائی، نمی‌توان سراندیب را که بر اساس منابع جغرافیایی اسلامی در سرزمین هند محسوب می‌شود، موطن تاریخی مندائیان محسوب کرد.

بر اساس مندرجات بعضی از اسناد مندائی، این گروه از مصر به اورشلیم مهاجرت کرده‌اند و در مدت سکونت در این محل، مصریان به این دین وفادار بوده‌اند. اما این که این استقرار با چه کیفیت و به چه مدت بوده است، تاکنون پرسش‌هایی بی‌پاسخ است.

سرزمین دیگری که بر اساس اسناد موجود، حضور آنان در آنجا مسلم به نظر می‌رسد، اورشلیم است. مشابهت‌های فرهنگی مندائیان با یهودیان نیز این موضوع را تأیید می‌کند. اما تاریخی که این دو گروه برای خود تدوین کرده‌اند قابل انطباق نیست. چنان که از پیامبرانی نظیر رام، رودشوربای، شوربا هیبل، سام و نوریثا که صابئین از آنها سخن می‌گویند، در تورات خبری نمی‌یابیم.

سرزمین دیگری که در منابع صابئین از آن یاد شده، «کوه مادای» است. مادای یا مدای نام کوه یا سرزمینی است که اینان خود را متعلق به آنجا دانسته و از آن با احترام و نیکی یاد می‌کنند. بر اساس روایات مذهبی، آنها در این سرزمین مندی<sup>۳</sup> ساخته و مشغول انجام مناسک دینی شده‌اند.

البته نکتهٔ تناقض‌آمیز این مسأله در همزمانی این سکونت با یباد «اردوان» حاکم صلح‌جوی ایرانی است. در حالی که

۳. محل تجمع و اجرای برخی از مراسم. در اصل این مکان باید در مجاورت رودخانه بنا شود. اما در حال حاضر مندی در اهواز در نزدیکی ساحل رودخانه بنا شده است.

اگر چه تعیین زمان بندی نگارش و تدوین این متون، کاری بسیار مشکل است، اما از آنجا که معمولاً تدوین کنندگان و رونویسان کتاب‌های مذکور، در پایان هر کتاب، فهرستی از فعالیت و انگیزه خود را همراه با فهرستی از پدران و یا دیگر رونویسان قبلی را یادداشت کرده‌اند، تا حدی این مشکل قابل حل شده است. به عنوان نمونه، با استفاده از همین اطلاعات، رودلف ماتسوخ متن اصلی قلستا که یکی از قدیمی ترین نسخه‌های موجود مندائی است را مربوط به قرن سوم میلادی می‌داند.<sup>۴</sup>

نکته قابل توجه در این مبحث، همانا حضور زنان در این حلقه، کتابت است. چنانچه در این میان «میریای دختر سیمات به احتمال، در قرن چهارم میلادی از جمله کاتبان بوده است.» (همان، ص ۱۷۸)

#### زیربنای خلقت / جامعه انسانی در دیانت مندائی

بسیاری از آداب و آیین‌های صابئین، به بخشی از مفاهیم اعتقادی آنها مربوط به زیربنای خلقت، عملکرد پیامبران و موجودات عالم نور و ... ارتباط مستقیم دارد. این مهم به طور مشخص در مورد آیین‌هایی چون تعمید و ازدواج و همچنین لباس مذهبی - آیینی (رسته) و نام مذهبی - آیینی (ملواشه) آنها صدق می‌کند. بنابراین پیش از بحث اصلی، به اختصار اشاره‌ای به مفاهیم مورد نظر خواهد شد.

در بوته «ادقشش» در کتاب انیانی و سیدارا ادنشمانا، به تفصیل ماجرای خلقت زمین و آدم آمده است. با توجه به تفسیر این بوته‌ها، خلقت زمین به خواست و اراده خداوند، میلیون‌ها سال پیش از خلقت آدمی انجام شده است و آن طور که از متن کتب مقدس دریافت می‌گردد «منظور از خلق زمین از جانب پروردگار، به خاطر وجود بشر بوده است تا بر روی آن ساکن گشته و به ازدیاد بپردازد کما این که در صفحه چهار صد و پنجاه و دو گنزایمینا آمده است: «... اینان را همه و همه خداوند قادر برای آدمی خلق فرمود، تا آدم و همسرش نیز نسلشان بر روی زمین از آنها به اندازه نیاز مستفیض گردند و شکر خداوند عادل را به جای آورند.» (برنجی، ۱۳۶۸: ۴۹-۵۲)

۴. ر.ک. فروزنده. مسعود. ۱۳۷۷. صص ۱۷۰-۱۷۷.

۳- ادراشا ادیهیا یا کتاب تعالیم یحیی در مورد تولد، زندگی و وفات حضرت یحیی نگاشته شده است.

۴- سیدرا ادمصوتا یا کتاب تعمید: شرح مراسم تعمید با ذکر جزئیات در آن آمده است.

۵- انیانی، که رسوم عبادت و نماز در این کتاب ذکر شده است.

۶- قلستا: تمام مراسم و بوته‌های مربوط به آن، در این کتاب ذکر شده است.

۷- اسفرملواشه: مربوط به چگونگی تعیین اسم دینی صابئین است.

علاوه بر این‌ها نوشته‌های دیگری نیز موجود است. از آن جمله: «تفسیر پغرا» که درباره بدن انسان و چگونگی ساختمان آن بحث می‌کند. «آلماریشایا ربا» که درباره تکوین و به وجود آمدن دنیا بحث دارد. «طومار حران گوبیثا» که درباره سرگذشت و چگونگی مهاجرت مندائیان از فلسطین نوشته شده است. «قماها» که شامل دعاهایی برای حفاظت از شر و بلاها است. «الف ترسر شایاله» یا کتاب هزار و دوازده سؤال که مورد مراجعه روحانیون مندائی است و به پرسش‌های آنها پاسخ می‌دهد.

ادبیات مندائی حدود ۱۸۰۰ سال قدمت دارد. «زبان و خط آنها شعبه‌ای از زبان و خط آرامی شرقی است. خط و زبان آرامی در تمامی بین‌النهرین باستان خاصه در دوره حکومت اشکانیان رایج بوده و کلیه مکاتبات دولت اشکانی به این زبان نوشته می‌شده است.» (فروزنده، ۱۳۷۷: ۱۵۷)

این متون هیچ‌گاه چاپ نشده‌اند، بنابراین پژوهشگران و دانشمندان هر دوره‌ای، از متن آنها اطلاعات دقیقی در اختیار نداشتند. تا این که در دوره معاصر، محققان اروپایی چون نلدکه، لیدزبارسکی و دراور اقدام به ترجمه این متون نمودند.

می‌گیرند.<sup>۵</sup> اما پس از زمانی طولانی؛ لجاج، ستم، ظلم و ... حاکم می‌گردد. پس خداوند ۹۲ هزار سال بعد از سال‌های آتش، «نوح» را مأمور هدایت مردم نمود. اما پس از سال‌ها، نوح نتوانست قوم را هدایت نماید. پس بر آنان نفرین کرده و خداوند هم باران و طوفان را بر آنان فرو فرستاد. کشتی آماده شد و به وسیله آن، نوح و تعداد کمی از آدمیان نجات یافتند. پس از پایان طوفان، چهار فرزند او یعنی سام، یام، حام و یافت پدران آدمیان محسوب می‌شوند. در این میان سام، تنها فرزند او مربوط به قبل از طوفان است و مندائیان خود را از نسل او معرفی می‌کنند. (شوم برنوریشا ادکلی شوربتا، سام بن نوح نیای بزرگ تمام مندائیان است.) (برنجی، ۱۳۶۷: ۶۴. به نقل از یمین گنزاریا)

نوریتا همسر نوح از معدود زنان مندائی است که به کرات اسم او در کتب مقدس آمده است و به تقوی و پرهیزگاری مشهور است.

در این سه مرحله حیات، از زنان در کنار مردانی با عنوان پیامبر یا رهبر نام برده شده است. اینان گاه به اتفاق مردان از عالم نور به زمین هبوط کرده و موجوداتی از جنس غیر انسانی محسوب می‌شوند. چنانچه در معرفی پیامبران خود، از پیامبرانی مثل رام، رودشوربای، شورباهیبیل و نوریتا سخن می‌گویند. رام و شوربای و سام، مردان پیامبر؛ و رود، شورباهیبیل و نوریتا همسران آنها هستند.

در کتاب مقدس، پس از تشریح مسائل پیامبران بعدی چون ابراهیم و ... در ماجرای تولد یحیی هم از نقش عوامل غیر مادی در ارتباط با موضوع تولد او یاد می‌شود. چنانچه در زمانی که در دنیای ظلمات و عصر سلطه کلمی‌ها معرفی می‌گردد، نطفه یحیی به شکل معجزه آسایی در بطن مادر او «اینشوی» (برنجی، ۱۳۶۷: ۶۹) که خود از زنان کلمی محسوب می‌شد جای گرفت.

اینشوی ۸۸ ساله و زکریای ۹۹ ساله صاحب فرزندی به نام

۵. مندائیان اگرچه این دو را از پیامبران نمی‌دانند اما آنها را در زمره بزرگان و رهبران خود محسوب می‌کنند.

در ادامه بوته‌های مربوط به خلقت آسمان، زمین، گیاه، حیوان و ... به خلقت آدمی از طینا=گل اشاره کرده که از آسمان، روح آدمی هم به زمین هبوط نموده است.

در این مرحله، آدم، گور اقدمائی = آدم اولین مرد دنیا (برنجی، ۱۳۶۸: ۵۶) اولین مخلوق خداست و پس از آن «از پیکر آدم، حوا را آفرید؛ کنا اِدنافشی = از وجود وی، حوا آفریده شده است.» (گنزاربا، یمین، به نقل از برنجی، ۱۳۶۷: ۵۴). در سه زایمان، حوا صاحب سه دختر و سه پسر شد. از پسران او به عنوان هیبیل (Hibel)، شیتل (Sitel) و اُنش (Oennos) نام برده شده است. در هیچ یک از کتاب‌های مقدس، از دختران او نامی ذکر نشده است. (در تصحیح این متن آقای سالم چحیلی این جمله را به عنوان یادآوری تذکر داده‌اند که: در دیونان‌ها، دستورات دینی، نام دختران یاد شده است.) از آنجا که ازدواج خواهر و برادر امکان نداشته است، به اراده الهی (هیی)، فرشتگانی با هیأت انسانی از «امشونی کُسطا» (دنیای انوار) به زمین فرستاده شد. در این بخش، نوعی ناهماهنگی در گنزاربا دیده می‌شود، زیرا اگرچه از دختران آدم سخنی به میان نیامده است، ابتدا به نظر می‌رسد فرشتگان در کسوتی مردانه به زمین آمده‌اند؛ اما در بعضی از منابع، این فرشتگان را زنانی می‌دانند که به زمین هبوط نموده‌اند. در مجموع می‌توان چنین پنداشت که این گروه با خانواده‌هایشان (۶۰ اثروا = فرشته) از بخشی از عالم نور به زمین آمده و با ازدواج با فرزندان آدم، زمینه ایجاد نسل انسانی را فراهم آوردند.

پس از مدت‌ها، بر اثر جنگ و مشکلات زیادی، آدمیان نابود شدند تا این که پس از ۲۱۶ هزار سال بعد از ظهور آدم، به همت مردی صالح و با ایمان به نام «رام» و همسرش «رود»، جهان روی آرامش به خود دید. در این مرحله، حیات انسانی با تلاش مشترک این دو ادامه می‌یابد. اما باز پس از سال‌های طولانی، نزاع و ستم بالا گرفت و خداوند در «صدهزار سال» بعد از زمان «رام» و «رود» چنان آتشی بر ستمکاران باراند که نابکاران سوزانیده شدند و اثری از انسان‌های فاسد و تب‌هکار باقی نماند.

پس از این دوره، «شوربای» و همسرش «شُرهبیبیل» رهبری مردم را که همان مندائیان اصیل هستند بر عهده

موکل آب آفریدند... که مایه‌ای از خیر و برکت و نیک‌بختی بخشیدند...» (دلاشو، ۱۳۶۶: ۱۴۱ و ۱۴۲)

«شش قرن پیش از میلاد، بانوی آب کلدانیان، سرور همه خدایان قوم بود. در عهد سلاطین «مرو و نژی» مردم سرزمین‌های گل و انگلستان، اسکاتلند و یونان، و اسکاندیناوی و اقوام بالت و اسلاو، هنوز بسیاری فواره‌های معجزه‌آسا و چاه‌های مقدس و چشمه‌سارها را می‌پرستیدند.

در آن وقت، همه جا رسم فرو بردن نوزدان در آب روان، چند روز پس از ولادتشان، معمول بود. آن عرف بهداشتی بسیار کهنی بود که هدفش سنجش مقاومت جسمانی نوزادان بود. وقتی نوزادان، آن قدر نیرومند بودند که از این امتحان جان سالم به در می‌بردند، آنان را «نجات یافته از آب» (از آب گذشته) می‌نامیدند.

در اساطیر یونانی، نموداری از این رسم را باز می‌یابیم. آنجا که تتیس (Thetis)، اخیلوس (Achille) یا هان آشیل را در آب‌های Styx فرو می‌برد تا روئین تن شود.

داستان موسی (که نامش به معنی «از آب گرفته شده» یا «نجات یافته از غرق شدن» است) این خاطرۀ اساطیری را که رسم تعمید

«یحیی یوحنا، یهیا یهانا (اسوئا و زکوئانهویلی = سلام و درود خداوند بر او باد) شدند. (کتاب دراشاد ادیهیا)

یحیی پس از تولد، توسط فرشته مقرب الهی تا ۷ سالگی تحت مراقبت قرار گرفته و پس از آن، الفبای مندائی به او آموزش داده شد. در ۲۲ سالگی، او حامل تمام علوم الهی شد و بعدها در اورشلیم به تعمید مردم و احیای مناسک مندائی پرداخت.

### آداب و رسوم و آیین‌های صابئین مندائی

تقدس آب و تلقی آن به عنوان مدخل تقدس و حرمت‌گذاری، از مشترکات بسیاری از اسطوره‌ها و ادیان باستانی به حساب می‌آید.

در مجموعه‌ای از اسطوره‌ها و قصه‌های کهن، همواره آب به عنوان عامل پاکی و پاک‌کنندگی نمادی آشکار دارد و این مهم همواره مورد توجه محققان و مردم‌شناسان است. از نظر بسیاری از مردم‌شناسان آب نزد مردم ابتدایی «عامل حیات و نوشاروی جاودانگی و تطهیرکننده و عامل بعث و رستاخیز» معرفی شده است. آب پاشیدن و تبرک یافتن با آن همواره مرسوم بوده است. آنها «شمار زیادی ایزد و زن ایزد و ارواح



و اجتماع آب‌ها را دریا نامید.» (عهد عتیق، سفر پیدایش)

با مراجعه به قرآن کریم درمی‌یابیم که بارها، از آب و دریاها از استنادهای قرآنی برای قسم یاد کردن و بیان عظمت الهی استفاده شده است. در آیه «وجعلنا من الماء کل شیء حی» (سوره انبیاء، آیه ۳۰) حجت تمام شده و آب منشأ کل حیات تلقی می‌گردد.

این مختصر، حکایت از اشتراک مفهوم آب و تلقی نور و رکن آفرینش از آن دارد. این جاست که در محور مناسک صابئین نیز، آب را در جایگاه رفیعی می‌یابیم.

آب مظهر حیات، زیبایی، پاکی و طهارت، نور و مرکز انوار الهی، مهم‌ترین عامل در اجرای مناسک صابئین مندائی محسوب می‌گردد.

چنانچه محور مناسک صابئین مندائی، آب و تعمید در رودخانه است. زندگی در جوار آب‌های روان، تعمید در آب روان، رشامه، طماشه، ذبح حیوانات، نقش آب در مراسم عقد و ازدواج و ...، همگی از وجوه وابستگی حیات دینی آنها با آب‌های روان است. «روشمی الاوی لهوا اب نورا..... رسومم با آب جاری پاک که به فرمان خداوند برای نظافت انسان‌ها و ... انجام می‌گیرد.» (برنجی، ۱۳۶۷: ۲۴۸)

آب به عنوان مهم‌ترین زمینه‌پاکی، مظهر نورانیت و در عین حال مکان مقدسی است که می‌توان درون آن، پاکی و طهارت را کسب کرد. بنابراین معبد، مسجد و عبادتگاه هر مندائی، کناره آب و ساحل آب روانی است که هم پاک است و هم شوری ندارد لذا پاکی آفرین و مقدس است.

بشمیهون ادهبی ربی

«رسوم من با آتش انجام نگرفته و یهودی و مسیحی نیستم بلکه رسومم با آب جاری پاک که به فرمان حق تعالی برای نظافت انسان‌ها و حیات بخشیدن به آنان جاری گشته انجام می‌گیرد. آبی که قدرتی انکارناپذیر در تطهیر من از هر گونه ناپاکی‌های مادی و معنوی دارد...» (برنجی، ۱۳۶۷: ۲۵). به نقل از گنزاربا

کنونی یکی دیگر از بازمانده‌های آن است، به افسانه مسیحی منتقل کرده است.» (همان: ۱۴۲-۱۴۳)

در ادیان باستانی، بهره‌مندی و محرومیت از باران و آب، به عکس‌العمل خدایان در برابر اعمال و رفتار آدمی بستگی داشت. انواع عبادت، قربانی، اوراد و ... برای طلب خیر و باران در پیشگاه خدایان، همگی حکایت از این وجه حیات بشری دارد.

آب در بسیاری از ادیان، منبع آفرینش حیات محسوب می‌شود. چنانچه در اعتقاد مصریان باستان، جهان در بدو خلقت، آب را کد بوده است. مصریان به ختوم به عنوان سرور آب خنک و خدای نیل احترام گذاشته و او را پدر شاهان و ملکه‌های مصری محسوب می‌کنند.

در بین‌النهرین هم «انکی»، خدای آب، اولین خدایی است که دست به آفرینش می‌زند. در میان هندیان نیز، «ایندره» خدای باران قدرتمندترین و محبوب‌ترین خدا در جریان آفرینش است.

در افسانه‌های چینی نیز از باران، آب، رود و دریا به عنوان جزئی از موجودات نخستین یاد شده است. چنانچه از اشک «پان‌کو»، دریاها و رودها و از نفسش، باد به وجود آمد.

در نزد ایرانیان باستان نیز دریای بزرگی به نام «فراخکرد» در کنار کوه البرز وجود داشت که یک سوم زمین را که بهترین و پر نعمت‌ترین قسمت‌های زمین بود، در بر می‌گرفت. همه آب‌های جهان، پس از پاک شدن از آلودگی، سرانجام به آن می‌ریختند. آلودن آب، از گناهان بزرگ محسوب می‌شد و برای نگرهبانی از آب‌های روان ناهید، آناهیتا و اردویسور آناهیتا گمارده شده بودند. (ابان یشت، ترجمه پوردادود)

در آیین یهود نیز، اولین نشانه آبادانی پس از خلقت آسمان‌ها و زمین، خلقت آب‌ها بوده و سپس «آب‌ها را از آب‌ها جدا کرد و خدا گفت آب‌های زیر آسمان در یک جا جمع شود و خشکی ظاهر گردد و چنین شد. خدا خشکی را زمین نامید

لباسی که هنگام تعمید بر تن می‌کنند [رسته]، عبارت است از:

۱. پیراهن سفید بلند (سُدرا)، که از پارچه ای نخی، ساده و با حداقل برش و دوخت تهیه شده است.

۲. بَرزَنقاهورا: (Barzanghara) (بَرزَنقا به معنی عمامه و هورا به معنی سفید) عمامه سفید رنگ.

۳. هِمیانه: (Hemyaneh) از جنس پشم سفید که یک سر آن رشته رشته است و یک سر آن حلقه و به شیوه خاصی بسته می‌شود. (با یاد ۶۰ خانواده اُثرایی با ۶۰ رشته بافته می‌شود.)

۴. شَلوارا: (shalvara) شلوار سفید رنگ و با پارچه نخی.

۵. کِسویا، نصیفه: (Nasifh) شالی که به دور گردن انداخته می‌شود.

پوشیدن رسته کامل برای مراسم تعمید واجب است. اما برای انجام رَشامه و بَرَاخه، فقط بستن همیانه، که معمولاً به همراه آن دستار نیز پوشیده می‌شود، ضروری است. دقت در نحوه پوشیدن این لباس اهمیت زیادی دارد. زیرا صحیح پوشیده نشدن رسته، موجب بطلان تعمید می‌شود. بنابراین صحیح پوشیدن آن به وسیله روحانی مورد بازبینی قرار می‌گیرد تا از صحت عمل اطمینان حاصل گردد. همیانه و دستار در این میان از اهمیت بالاتری برخوردار هستند.

رسته را می‌توان گویای نمادینی از آیین‌های مندائی محسوب کرد. رنگ سفید آن اشاره‌ای به پاکی عالم نور دارد و همیانه با ۶۰ رشته بافته شده به ۶۰ خانواده اُثرایی که به همراه فرزندان آدم، اولین هسته جامعه بشری را بنیاد نهاد، اشاره دارد.

در مرحله‌ای از تعمید، نانی که طبق آیین خاصی با آرد و آب جاری (رودخانه) طبخ شده است (پِهتا یا نان مقدس) مورد استفاده قرار می‌گیرد. گاه این نان به وسیله مقام روحانی طبخ

آب مهم‌ترین محور و رکن آیین‌های صابئین بوده و مهم‌ترین زمینه وجودی آن پاکی بخشی آن است، بنابراین آلودگی با آب و در ارتباط با آن زدوده می‌گردد و تعمید، مهم‌ترین آیینی که پاکی را به ارمغان می‌آورد تلقی می‌گردد.

### تعمید / مَصوتا / مَصبتا<sup>۶</sup>

تعمید، اصلی‌ترین و محوری‌ترین آیین صابئین است. این عمل فقط توسط روحانی و در حال حاضر، معمولاً، روزهای یکشنبه و روزهای عید انجام می‌شود.

هر مندائی، اعم از زن و مرد، حداقل یک بار باید تعمید شود. نوزاد ۳۰ روز پس از تولد، زنان، ۳۰ روز پس از زایمان، عروس و داماد قبل و پس از ازدواج، هر یک باید تعمید شوند. گاه تعمید به عنوان کفاره اعمال خلاف و گناهان نیز انجام می‌گیرد. هر مندائی پس از توبه واقعی از هر عمل خلافی، لازم است بر اساس دستور مذهبی گاه به دفعات تعمید شود. به عنوان نمونه، روزه‌خواری ناخواسته، تعمید دهنده‌ای که متوجه دقیق و کامل پوشیده نشدن رسته و لباس تعمیدشونده نشده باشد، ذبح‌کننده حیوان پس از ذبح آیینی متوجه وجود مانعی برای طماشه کامل حیوان شده باشد و... پس از توبه لازم است تعمید شوند. علاوه بر آن، گاه برای برخی از گناهان تا ۳۶۰ تعمید در نظر گرفته شده است. برای عمل به این حکم، از عیدهایی بهره برده می‌شود که هر تعمید در آن ایام معادل ۶۰ تعمید محاسبه می‌گردد.

چگونگی مراسم، لباس مخصوص، بوته‌ها و زمان تعمید، برای زنان و مردان تفاوتی ندارد. جز این که زنان صابئی ایرانی معمولاً برای رعایت عرف و از آن جهت که مراسم در مرکز شهر و در کنار رودخانه انجام می‌گیرد، عبایی بر سر یا دوش می‌گذارند.

۶. برای نگارش این مبحث علاوه بر مشاهده مستقیم مناسک، منابع زیر نیز مورد مطالعه، استفاده و استناد قرار گرفته است:  
- برنجی، سلیم. ۱۳۶۷. قوم از یاد رفته.  
- عربستانی، مهرداد. ۱۳۸۳. تعمیدیان غریب.  
- خمیسی، ساهی. ۱۳۸۳. صابئین قوم همیشه زنده تاریخ.

همراه با کلمات مخصوصی، دوباره به زبان رانده می‌شود.<sup>۹</sup> سپس روحانی از تعمید شونده اسم مذهبی (ملواشه) او را می‌پرسد.<sup>۱۰</sup> بعد از آن، او خواندن بوته‌ها یا آیات مخصوص را آغاز می‌کند. همراه با خواندن این بوته‌ها، روحانی طاغرا را که در دست راست او قرار دارد برداشته و در زیر دستار گذاشته و پس از آن کلبله یا انگشتر کوچک یاس را از درون انگشت کوچک دست راستش در آورده و در زیر دستار می‌گذارد.

بدیهی است هر مرحله از این مناسک، بوته‌های مخصوصی دارد که به وسیله رهبر مذهبی که در محل حاضر است خوانده می‌شود. بعد از آن که روحانی با خواندن بوته‌هایی کلبله را نیز زیر دستارش گذاشت، با دست راست اضافه دستار روی سرش، که پندامه نامیده می‌شود را از چپ به راست بر دور دهان می‌بندد. سپس همراه با خواندن بوته‌های مخصوص به سوی آب روان می‌گردد و با اشاره دست از تعمید شونده نیز می‌خواهد تا با او همراه شود. تعمید شونده نیز در این مرحله انگشتر یاس را در انگشت کوچک قرار داده و با خواندن بوته مخصوص وارد آب شده و بعد از این که دور روحانی چرخ می‌زند، رو به شمال یا اواثر و در سمت راست روحانی کمی عقب‌تر در آب می‌نشیند. در حالی که آب تا سینه او را پوشانده است، سه بار بوته مخصوص را قرائت می‌کند و هر بار با کمک روحانی در آب فرو می‌رود. پس از آن، روحانی که تا این زمان شاهد دقیقی بر صحت مناسک بوده است، رو به شمال، تعمید شونده را سه بار «رشمه» می‌کند. به این معنی که چهار انگشت دست راست خود را در آب فرو برده و از طرف راست به چپ انگشت‌های خود را روی پیشانی تعمید شونده می‌کشد و هر بار ضمن یادآوری ملواشه تعمید شونده، با خواندن بوته‌های مخصوص به صحت مناسک گواهی می‌دهد.

پس از این مراحل، باز برای سه بار، روحانی از همان آب

۹. جهت اطلاع از متن این بوته‌ها ر.ک. برنجی، سلیم، قوم از یاد رفته، صص ۱۸۷-۱۸۸.

۱۰. نکته قابل توجه این است که در این مراسم، سه بار از آب جاری به تعمید شونده داده می‌شود. بار اول و دوم این آب توسط وی خورده می‌شود و در مرحله سوم، این آب با دست راست به طرف چپ پاشیده می‌گردد. این عمل را آقای سالم چحیلی، برای آموزش و یادآوری عدم اسراف و زیاده‌روی نکردن می‌داند.

می‌شود. روحانی ابتدا آرد و کمی نمک را با آب رودخانه خمیر کرده و سپس به شکل دایره‌های کوچک در آورده و آنها را روی ذغال‌هایی که درون ظروف گلی قرار دارد طبخ می‌کند. این نان از هیچ مواد افزودنی دیگری برخوردار نبوده و پس از آماده شدن روحانی آن را به قطعات کوچک‌تری تقسیم کرده تا در زمان مخصوص مورد استفاده قرار گیرد.

در این مرحله افراد به کنار رودخانه رفته و پس از اطمینان روحانی از صحیح پوشیده شدن لباس و اعلام آمادگی برای تعمید، مراسم آغاز می‌گردد.<sup>۷</sup>

پیش از هر اقدامی، روحانی رَشامه (وضو) و بَرَاخه (نماز) را به جا آورده و با بستن رَهْمی، به خواندن ادعیه مخصوص برای پاکسازی روحانی محیط تعمید می‌پردازد، «تا دیوها و موجودات شریر از محیط تعمید دور شده و فرشته‌های نورانی به خصوص شلمی و ندوی که پاسدار آب‌های روان حاضر گردند.» (فروزنده، ۱۳۷۷: ۲۴۸)

در این مرحله از مناسک، روحانی «شاخه بلندی از درخت یاس که آغا نامیده می‌شود و انگشتری‌ای که باز هم از شاخه کوچک‌تر درخت یاس بوده و به آن کلبله گفته و در ظرفی پر آب، قرار داده شده‌اند برداشته و به سوی رودخانه روان می‌شود» (برنجی ۱۳۶۷: ۱۸۷) همچنین او علاوه بر لباس مخصوص تعمید یعنی رَسْتَه، «دارای عصایی از چوب درخت زیتون موسوم به مَرگنه است که طی اجرای مراسم آن را در دست دارد» (فروزنده، ۱۳۷۷: ۱۴۸ و ۲۵۱) ابتدا مراسم رَشامه (وضو) به جا آورده می‌شود. پس از آن، روحانی رو به «اواثر»<sup>۸</sup> ایستاده و با نام خدا، شروع به خواندن بوته‌های (آیه‌های) مربوط به پیچاندن «آغا» یا شاخه بزرگ‌تر یاس نموده و همزمان، با دو دست شروع به پیچاندن آن می‌کند تا به صورت حلقه در آید. گفتنی است که در این مرحله صحت عمل پوشیدن رسته

۷. در صورت بروز اشتباه یا اشکالی در پوشیدن لباس در تعمید، تعمیددهنده مرتکب گناه شده و لازم است پس از توبه تعمید شود.

۸. اواثر مزنیبا، یا شمال، جای مقدسی از دنیای دیگر است که در آن مکان مقدس، نیکی‌ها و بدی‌های افراد وزن و سنجیده شده و حکم نهایی درباره افراد و اعمالشان صادر می‌گردد. امروزه مندائیان از این که این عمل با موضوع ستارگان تعبیر گردد به شدت تبری می‌جویند.

طول مراسم حضور داشته و شاهی بر صحت اجرای آن بوده است گذاشته و عهد و پیمان خود را مبنی بر پاکی و استواری در مقابل سختی‌ها تجدید می‌نماید. این آخرین مرحله از مناسکی دقیق و قابل توجه است و در این مرحله ضمن تبریک به تعمید شونده پایان مراسم اعلام می‌شود.

قابل توجه این که، بوته‌هایی (دعاهایی) که طی این آیین خوانده می‌شود از کتاب‌های مذهبی صابئین یعنی «مصوتا»، «گنزاربا»، «سیدرا ادنشاماتا» و «انیانی» خوانده می‌شود. این آیین برای کودکان به همین ترتیب اما با همراهی یک نفر اشکندا و یا حلالی به منظور کمک به روحانی برای انجام دقیق آن انجام می‌شود.

تعمید ممکن است به صورت دسته‌جمعی صورت بگیرد. هر روز و در مراسمی که در روزهای خاصی چون روز عید میلاد یحیی<sup>۱۲</sup> صورت می‌گیرد، به دلیل کثرت تعمید شونده‌گان، این مراسم به صورت گروهی و البته در دو برنامه جداگانه برای مردان و زنان صورت می‌گیرد.

آلودگی و ناپاکی در آیین مندائیان، بیش از هر چیز سراغ زنان می‌رود. از آن جمله نوزاد و مادر او در ۳۰ روز اول بعد از تولد، در آلودگی کامل به سر می‌برند. تا جایی که اگر از ظروف فلزی، چینی و یا بلور استفاده کنند، این ظروف باید تعمید شوند. لمس زن زائو و نوزاد او در فاصله تولد و به مدت یک هفته بعد از آن نیز، شامل نوعی از تعمید می‌گردد. این تعمید طماشه گفته می‌شود. طماشه عبارت از غسلی است که هر فرد صابئی با فرو رفتن در آب و یا با استفاده از دوش می‌تواند در هر ساعتی از روز آن را انجام دهد.

یعنی در این فاصله، لمس نوزاد و مادر، شامل طماشه کامل می‌گردد و بعد از پایان هفته اول تا روز سی‌ام، در صورت لمس نوزاد و مادر، لازم است بر روی دست‌ها طماشه جزئی صورت بگیرد. لمس زنان در شرایط عادت ماهیانه نیز طماشه

۱۲. شستن دست یا طماشه برای روحانیون از مچ دست راست تا آرنج را شامل می‌شود. اما برای افراد غیر روحانی، طماشه از مچ دست تا میانه ساعد صورت می‌گیرد. (به نقل از مصاحبه با آقای سالم چحیلی)

روخانه و با دست به تعمید شونده آب می‌نوشاند.<sup>۱۱</sup> در این مرحله، تعمید شونده از آب خارج شده و یک بار از راست به چپ دور بخوردان مخصوص دور زده و بوته مخصوص را می‌خواند و روی سنگی (یا یک صندلی) که به همین منظور قرار داده شده است رو به او اثر و در پشت بخوردان گلی مخصوص می‌نشیند. روحانی هم در این قسمت از آب خارج شده و بوته‌های مخصوص ماه و خورشید و اصنام و ... را خوانده و در سمت راست تعمید شونده رو به شمال می‌ایستد.

سپس مرحله‌ای طولانی از قرائت بوته‌های مخصوص آغاز می‌شود. (حدود ۲۰ دقیقه) تا این که در بخوردان، نوعی بخور به نام «سندلوس» ریخته می‌شود. در همین اثنا، ضمن خواندن بوته‌های مخصوص، روحانی ظرف کوچک و برنجی مخصوص را (کپتا) که محتوی روغن کنجد است، برداشته و با چهار انگشت دست راست و از راست به چپ از آن روغن به پیشانی تعمید شونده می‌مالد (رشمه).

پس از آن روحانی ضمن خواندن بوته‌های مخصوص و شهادت به صحت مناسک، از نان مخصوصی (پهتا) که از قبل آماده نموده است به تعمید شونده می‌خوراند. در این مرحله وی «کپتا» یا همان کاسه برنجی را از آب رودخانه «مَمبوه» پر کرده و با دست راست به تعمید شونده می‌دهد تا بنوشد. پس از آن، در حالی که دست راستش را در دست راست تعمید شونده می‌گذارد، مراسم «اید کشطا» را انجام می‌دهد. به این معنی که از او عهد و پیمان می‌گیرد تا بر عهد و پیمان بسته شده وفادار بماند. آن‌گاه از تعمید شونده می‌خواهد تا با دست راست آب را اشاره کرده و با خواندن بوته‌های مخصوص آب پاک و جاری را به شهادت بگیرد. تعمید شونده با اشاره دست روحانی به پا می‌خیزد و شنونده بوته‌های جدیدی می‌شود که برای آمرزش او، مربیان و روحانی تعمیدگر پدر و مادر، معلم و مربی و ... خوانده می‌شود. سپس روحانی اضافه دستار یا «پندامه» را از صورت باز کرده و شروع به خواندن دعائی برای آمرزش روح خویش می‌کند. به دنبال خوردن نان و آب مقدس، دست راست خود را در دست «اشکندا» یا «شاهد» که در

۱۱. دهوادیمانه / روز عید / تولد حضرت یحیی- اول ماه مندائی هطیا- اوایل ماه خرداد. روز جشن، روز نام‌گذاری کودکان مندائی- بهترین روز برای تعمید.



رشامه ضروری است، بنابراین، به آیینی قابل توجه و مهم تبدیل شده است.

اولین مرحله رشامه، نیت و پاکی فکر از آلودگی و افکار مادی است. آن گاه به کنار رودخانه رفته و به قرائت بوته‌های مخصوص پرداخته می‌شود. سپس بعد از شستن دست<sup>۱۳</sup> و خواندن بوته مخصوص، سه بار و هر بار همراه با بوته‌های مربوط، با آب رودخانه صورت شسته می‌شود. در مرحله بعد، با نوک انگشتان دست راست، با آب سه بار و از راست به چپ و همراه با قرائت بوته خاصی، پیشانی، رشمه یا مسح می‌شود. پس از آن سه بار، و همراه با خواندن بوته‌های خاص، نوک انگشتان اشاره دو دست

۱۳. برای اطلاع از متن بوته‌ها به منابع زیر مراجعه گردد: - برنجی، سلیم، ۱۳۶۷، قوم از یاد رفته، صص ۲۴۵-۲۶۰.

جزئی دارد. عروس و داماد در یک هفته پس از ازدواج ناپاکند و لمس آنها و ظروفی که در این مدت مورد استفاده آنها قرار می‌گیرد نیازمند تعمیر است.

### رشامه

رشامه نوعی از مناسک طهارت است که پیش از براخه یا نیایش‌های روزانه، انجام آن ضروری است. انجام این عمل زمانی امکان‌پذیر است که قبل از آن، مناسک دیگری چون تعمیر و ... انجام شده باشد. قبل از انجام رشامه، بستن همپانه و دستار به شیوه صحیح ضروری است.

در هر روز سه بار در صبح، ظهر، عصر و همچنین قبل از غروب آفتاب، برای ادای براخه و همچنین در هر بار تعمیر،

هیی وجود دارد، پروردگار وجود دارد\* مندا ادهیی (عرفان خداوند) وجود دارد\*<sup>۱۴</sup>

### آئین ازدواج

به نظر می‌رسد بعضی از شرایط، رسوم و سنت‌های اعراب ساکن خوزستان، با سنت‌های مندائیان گره خورده است. به این معنی که گاه با عقد و پیمان با بعضی از طوایف عرب، خانواده خود را در ظل حمایت‌های قبیله‌گی اعراب قرار می‌دهند. بر اساس این پیمانها، این طوایف از شرایط حمایت، دفاع و فصل‌برخوردار می‌شوند. در عین حال، عصبیت ناموسی-خونی، به گونه‌ای خشونت در کلام و رفتار، تحکم قدرتمندانه شیوخ و مردان خانواده بر سایر اعضاء و... از نموده‌های این رابطه است. در کنار آن، شرایط دینی و قومی آنها، این سنت‌ها را مستحکم‌تر ساخته است که ازدواج‌های داخلی (قومی و مذهبی) و با شرایط خاص قبیله‌گی، از مختصات آن است.

در حال حاضر، خانواده‌ها و بزرگان مندائی کمتر از شکل داخلی و بسته ازدواج و طلاق به صراحت سخن می‌گویند. اما در احکام دینی آنها، ازدواج در کنار سایر احکام مذهبی چون رَشامه و بَرَاخه (وضو و نماز)، پرداخت اغرا وزدقا (صدقه و زکات)، مصوتا (تعمید)، احترام به پدر و مادر و برادر بزرگ‌تر، امر به معروف و نهی از منکر واجب شمرده می‌شود. در عین حال ازدواج با زن برادر، خواهر، مادر، خاله، عمه، زن عمو، زن دایی، زن پدر، خواهر ناتنی از پدر یا مادر، دختر همسر که از پدر دیگری باشد و ازدواج همزمان با دو خواهر، از محرمات محسوب می‌شود. (خمیسی، ۱۳۸۳: ۴۱)

با همه این تفصیل، سن ازدواج معمولاً پایین است. به این معنی که تا پیش از این، سن ازدواج بین ۱۶ تا ۱۹ سالگی بوده و در سال‌های اخیر به مرز ۲۲ تا ۲۳ سال رسیده است. بر حسب سنت عربی، به طور معمول ازدواج با دختر عمو یا پسر عمو و در وهله بعد دختر خاله و پسر خاله صورت می‌گیرد. اگر چه این سنت در حال حاضر کمی مورد بی‌توجهی قرار گرفته است اما همچنان

را بالا آورده به گوش‌ها نزدیک می‌کنند. سپس مقداری آب بالا آورده و ضمن بوییدن، آیه مخصوص خوانده می‌شود. آن‌گاه در همان شرایط، نشسته و همراه با بوته مخصوص، با کف دست راست آب برداشته و بر کف دست چپ ریخته می‌شود. سپس سه بار و همراه با زمزمه بوته، با دست راست آب را در دهان گذاشته و پس از زمزمه به کناری ریخته می‌شود. دو زانو و ساق‌های پای فرد نیز با همان شیوه مسح پیشانی، مسح شده و در پایان این مرحله، دو دست در آب فرو رفته و با بر زبان آوردن ملواشه - یا نام مذهبی- آب را به شهادت می‌گیرد و بالاخره سر پا ایستاده و ابتدا پای راست و سپس پای چپ را همراه با قرائت بوته مخصوص، در آب فرو می‌کند.

### بَرَاخه

«ای برگزیدگان، رشامه و بَرَاخه خود را سه بار در روز و دو بار در شب انجام دهید.» (گنزاربا).

بَرَاخه به معنی مبارک دانستن و منظور از آن، نماز است که سه بار در روز انجام می‌شود، صبح هنگام طلوع آفتاب، ظهر یک ساعت بعد از ظهر و غروب قبل از غروب کامل آفتاب، نمازهای شبانه ندارند اما خواندن دو دعای شب و پیش از سحر نیز به صابئین توصیه شده است.

این نمازها به سبک مسلمانان رکوع و سجده ندارد. اما گاه با آوردن نام هیی (خدا) و یا برخی از فرشتگان بزرگ، حالتی از تعظیم به خود می‌گیرند. در بوته‌های بَرَاخه، اظهار بندگی و سرسپردگی به خدا و به شهادت گرفتن فرشته‌ها و درود و سلام بر فرشتگان تکرار می‌شود. متن بوته‌های هر یک از بَرَاخه‌ها تا حدی متفاوت است.

بوته توحید و بوته ملائک در همه بَرَاخه‌ها تکرار می‌شود. در بخشی از بوته توحید چنین آمده است:

به نام خداوند بزرگ\*

ستایش باد پروردگار با قلبی پاک\*

۱۴. اعلام پذیرش نیز به صورتی آیینی اجرا می‌گردد. به این معنی که عروس انگشتر دارای نگین قرمز را در انگشت کوچک دست راست و انگشتر نگین سبزار را در انگشت دست چپ می‌گذارد.

مشمتمل بر دو عدد انگشتر فلزی (اعم از طلا و غیره) دارای نگین قرمز و نگین سبز و همراه با مقداری گردو، بادام و کشمش و شیرینی است، می‌پذیرد.<sup>۱۵</sup> در این مرحله، ترمیداً<sup>۱۶</sup> دقت می‌کند تا عروس «رسته» اش را که به دلیل خیس بودن عوض کرده، به خوبی به تن کرده باشد. از هدایای خوراکی داماد بخورد و انگشترها را به دست کند.

سپس ترمیداً بر دست‌های عروس آب می‌ریزد تا طماشه شود. (اول دست‌ها آب کشیده می‌شود و سپس خوراکی‌ها خورنده می‌شود.) بوته‌های مخصوص این مرحله که شامل دعا برای خوشبختی عروس و داماد است، خوانده می‌شود.

پس از اعلام موافقت عروس توسط ترمیداً، مراسم توسط گنزورا آغاز می‌شود. کتاب «قُلستا» که مخصوص مراسم ازدواج و حاوی بوته‌ها و احکام عقد و عروسی است محور این مناسک است. با قرار گرفتن داماد در سمت چپ گنزورا و شکسته شدن کوزه‌ای توسط «اشکندا» (شاهد، که اغلب از نوجوانان حاضر در مجلس انتخاب می‌شود)، مراسم اوج می‌گیرد.

داماد به اتفاق گنزورا و دو ترمیداً وارد اشختا شده و در کنار هم می‌نشینند. سپس «طریان» (ظرفی شبیه بشقاب گلی) را که حاوی نان، پیاز، نمک، خرما، کشمش یا مویز، مغز گردو، ماهی کباب شده، پسته یا مغز گردو خام، کنجد<sup>۱۷</sup>، مغز بادام و گاه هم میوه و سبزیجات است، وارد اشختا می‌کنند.

در بشقاب یا سینی دیگری که قبلاً آورده شده، زعفران، صابون، شانه، گاه چند سکه مسی یا نقره و ... در اشختا قرار می‌دهند. این «طریان» ها جلوی گنزورا گذاشته می‌شود و او

۱۵. در منابع اخیر و به خصوص در تکمله‌ای که آقای سالم چحیلی بر کتاب «صابئین یا یادگاران آدم» تألیف حاج کاظم پور کاظم نوشته‌اند، بر این موضوع که زنانی وظیفه واری لباس (رسته) عروس یا تعمد شونده را برعهده دارند، تأکید دارند. (ر. ک. صابئین یا یادگاران آدم، ۱۳۸۰، انتشارات سرزمین خوز، ص ۱۳۶)

۱۶. پسته یا مغز گردوی خام.  
۱۷. اصطلاح پدر آیینی عروس در آیین مندائی عبارت است از فردی آشنا به آیین که با این عنوان وظایف خاصی را بر عهده می‌گیرد. در این آیین، بوته‌ها با نام مذهبی (ملواشه) این فرد خوانده می‌شود.

از سنت ازدواج با همکیشان، به شدت تبعیت می‌شود. به این معنی که ازدواج با غیر هم‌کیش، هنگامی میسر می‌گردد که جوان مندائی از اجتماع طرد شود و یا به دین دیگری در آید. این مسأله در مورد دختران نیز صادق است.

مناسک ازدواج مندائی، در حکم تکمیل مراحل ایمان و یادآور پیمان‌های الهی آنان است. بنابراین، از آن جهت که عقد و پیمان بین عروس و داماد در پیشگاه الهی بسته می‌شود، لازم است قبل از اعلام و پذیرش این عقود، آنان تعمد شوند.

این مراسم روزهای یکشنبه (اگر ضروری باشد هر روز) از ساعات اولیه صبح آغاز می‌شود. در صورتی که تعداد عروس و دامادها کم باشد، تعمد جداگانه و به صورت تکی؛ و در غیر این صورت، به شکل دسته‌جمعی صورت می‌گیرد. معمولاً ابتدا عروس‌ها در دو مرحله و سپس دامادها باز هم در دو مرحله تعمد می‌شوند. گاه مرحله اول تعمد، فردی و تعمد دوم به صورت جمعی صورت می‌پذیرد.

پس از پایان مراسم تعمد، عروس و داماد به «مندی» یا عبادنگاه منتقل می‌شوند. عروس به محوطه‌ای (به نام اندورونی) که پیش از آن آماده شده است منتقل می‌شود. داماد نیز در محوطه‌ای که با «نی» ساخته می‌شود قرار می‌گیرد.

اتاقک نیای (اشختا) از ۲۴ نی ساخته می‌شود و دارای ۱۲ ستون است، به طوری که هر ستون از دو نی ساخته شده است. این نی‌ها با الیاف خرما (به صورت افقی) مستحکم شده‌اند. سپس این اتاقک نی‌ای با پارچه سفیدی از سقف پوشیده می‌شود. در اشختا، به سوی شمال باز می‌شود. این مناسک، پس از آن شامل سه مرحله است: ۱. عهد گرفتن از عروس و داماد. ۲. خوردن غذای مشترک آیینی. ۳. دادن و گرفتن هدیه.

در اولین مرحله، هدیه‌هایی (معمولاً پوشاک) از سوی داماد و از درون اشختا برای عروس می‌برند. سپس «ترمیده» (دومین مرتبه رهبران روحانی) به عنوان نماینده گنزورا، نظر عروس را مبنی بر اعلام رضایت برای این ازدواج گرفته و اعلام می‌کند. عروس نیز به عنوان اعلام رضایت هدایای داماد را، که معمولاً

جهت اعلام رسمی مناسک، دومین کوزه شکسته می‌شود و داماد توسط گنزورا، به اتاکی که قبلاً برای عروس آماده شده است می‌رود و در حالی که عروس و داماد پشت به پشت هم نشسته‌اند، گنزورا خطاب به عروس، همان بوته‌های ارشادی را تکرار می‌کند که حاوی تذکرات، وظایف او نسبت به شوهر و خانواده‌اش است.<sup>۲۰</sup> با این مضمون که: «... در هنگام برگشتن شوهرش به منزل، باید از او با خوشرویی استقبال کرده و وسایل استراحتش را فراهم کند... در غم و شادی شریکش بوده و او را تنها نگذارد. به همه چیز قانع بوده و فراهم آورنده خوشبختی‌اش باشد.» (همان: ص ۲۱۴)

مفاهیم بوته‌هایی که برای داماد خوانده می‌شود، یادآور وظایف او در قبال همسرش است. حفاظت و نگهداری از او، شریک و غمخوار او بودن و در عین حال «... بدان تمام کارهایی را که تو انجام خواهی داد، به دستور رب العالمین است و وقتی تو با این زن پیمان بستی، در حقیقت متقبل تمام اوامر الهی گشتی.» (همان: ص ۲۱۰) در مقابل، بوته‌هایی نیز برای عروس خوانده می‌شود، به همین عنوان، یادآور وظایف او در قبال همسری است که قبلاً این تعهدات را پذیرفته و برای عمل به آنها سوگند یاد کرده است.

پس از این و بعد از رد و بدل شدن تبریک پیوند ازدواج، از حاضران با انواع شیرینی پذیرایی شده و همگی مندی را ترک می‌کنند.

به نظر می‌رسد در آیین مندائی و در مناسک موجود در آن، مسائل‌های با عنوان طلاق وجود ندارد. به این معنی که برای طلاق، دلایل به خصوصی لازم است که بارزترین آن عبارت‌اند از: خیانت، دزدی، دروغ و رفتار نامشروع و ... (همان: ص ۲۱۶) البته بدترین افعال نیز در صورت توبه، امکان طلاق را از بین می‌برند.

شکل طلاق در این آیین، از حالت آیینی و منسکی خارج می‌شود و شکل افعال عادی به خود می‌گیرد. یعنی فسخ پیمان<sup>۲۰</sup>. حلالی به کسی گفته می‌شود که اهل تدین و به آداب و مناسک دینی هم آشنا باشد.

محتویات طریانای اولی را به هشت قسمت تقسیم کرده و در هشت طریانای جدید می‌گذارد. در عین حال، ۲۶ قرص نانی را که از قبل آماده شده است در هشت طریانا جای می‌دهد. (هرطریانا سه قرص نان و دو قرص باقی مانده درون طریانه بزرگ و مابقی طریانه‌ها می‌گذارد.)

پس از تقسیم غذاها، گنزورا، دو «ترمیدا» و سپس همه حاضران را به شهادت گرفته و خطاب به پدر آیینی عروس،<sup>۱۸</sup> تقاضای آغاز مراسم عهد و پیمان می‌کند.

سپس پدر عروس و داماد، دست در دست هم روبروی گنزورا ایستاده و جملاتی را مبنی بر ادای عهد و پیمان به زبان می‌آورند. این مراسم به اسم «ملواشه» یا اسم مذهبی پدر عروس و نام دینی داماد و عروس انجام می‌شود. (برنجی، ۱۳۶۷: ۲۰۹)

پس از پایان یافتن ادای جملات بلندی که اظهار عهد و پیمان را در دل خود دارد، گنزورا که شاهد بر اجرای صحیح مراسم است، از داماد می‌خواهد تا دست خود را با نام خدا با آب بشوید تا آماده خوردن غذاهایی گردد که در طریانا است. سپس گنزورا، خود لقمه‌ای را برای داماد آماده کرده و لقمه دیگر را نیز توسط پدر عروس برای عروس می‌فرستد. (عروس نیز پس از طهارت دست راست آن را می‌خورد)

در این مرحله، باقی مانده غذاها در ترینا توسط حاضران خورده می‌شود. پس از آن، گنزورا سه سکه فلزی (معمولاً نقره و گاه مسی) را به عنوان قدردانی به مادر عروس هدیه می‌دهد.

از اینجا به بعد، ضمن خواندن بوته‌های مخصوص، ترمیدا شال مخصوص سبز رنگ بر کمر داماد می‌بندد و گنزورا، «کلیله»<sup>۱۹</sup> را بر سر داماد می‌نهد. در ادامه، بوته‌های ارشادی از کتاب «قلستا» توسط گنزورا و ترمیدا خوانده می‌شود.

۱۸. حلقه‌ای که به طرز خاصی با استفاده از گیاه مورد بودار درست می‌شود. این حلقه که گویا نمادی از خرد و عقل است، هدیه‌های الهی به آدم تلقی می‌شود. این حلقه در تعمیم نیز کاربرد دارد.  
 ۱۹. قابل توجه است که این بوته‌ها به آرامی بهوسیله گنزورا خوانده می‌شود و بوته‌های خوانده شده به گوش آنها نمی‌رسد.

ملواشه نامی مرکب از سه بخش است:

■ بخش اول نامی است که با ترتیبی ویژه و با محاسبات منطقه البروجی و با توجه به نام دینی مادر، برای فرد در نظر گرفته می‌شود. در این مرحله، ساعت تولد، ماه تولد و ملواشه مادر، در محاسبه‌های خاص نجومی قرار می‌گیرند. بنابراین در میان صابئین، توجه دقیق به ساعت تولد نوزاد، از امور ضروری است.

■ بخش میانی، کلمه بَر (bar) به معنی پسر، و پَث (path) به معنی دختر است که نسبت فرد را با مادرش بیان می‌کند.

■ بخش آخر ملواشه هم، بخش ابتدایی نام دینی مادر است. این موضوع در کنار محاسبه‌های نجومی، حکایت از انتساب قومی دارد.

برای تعیین این نام از انواع جدول‌های نجومی و تقسیم بندی‌های ایام سال و ماه و حتی شبانه‌روز استفاده می‌شود. در این جدول‌ها، هر شبانه‌روز به ۱۲ قسمت، و هر قسمت به یک عدد تعلق دارد. همچنین هر ماه مندائی یک معادل عددی و در کنار آن یک نام مذکر و یک نام مؤنث دارد.

در فرایند تعیین این نام مذهبی، طالع فرد نیز با توجه به ماه و ساعت تولد او با شیوه‌ای نجومی و در دایره عنوان‌های ماه‌های سال مندائی والبتنه با محاسبه‌های نه چندان پیچیده، تعیین می‌گردد.<sup>۲۱</sup>

داشتن ملواشه، مستلزم تولد از مادر مندائی است. انتساب از طریق مادر در این آیین را با قدمتی به درازای تاریخ آن می‌توان یافت. در این زمینه، در منابع کهن نیز ریشه‌هایی هویدا است. چنانچه گروهی، عنوان صابئی برای آنان را برگرفته از نام مادر یحیی (ع) یعنی «صابات» می‌دانند. (مسعودی، ۱۳۴۹: ۱۱۵)

با توجه به این که این نام، با مناسبات نجومی خاصی که

۲۱. برای اطلاعات بیشتر به عربستانی، مهرداد، ۱۳۸۳، تعمیدیان غریب، افکار، تهران، صص ۲۸۲-۲۸۶ مراجعه گردد.

ازدواج از طریق ازدواج زن با مرد دیگری صورت می‌گیرد و حتی در صورت جدایی، مادامی که زن با مرد دیگری ازدواج نکرده، همچنان زن و شوهر محسوب می‌شوند.

اگر چه در این آیین، مراسم عقد و ازدواج فقط با حضور گنزورا و دو ترمیدا صورت می‌گیرد، اما اگر عروس بیوه باشد، یک نفر ترمیدا، مراسم را انجام می‌دهد. حتی ممکن است کسی که برای این مراسم در نظر گرفته می‌شود، یک «یلوفا» باشد. یعنی حلالی ۲۱ که دارای سواد خواندن و نوشتن مندائی باشد.

در آیین مندائی، گنزورا در دو مراسم حاضر نمی‌شود. اول در مراسم عقدی که عروس بیوه باشد و دوم، مراسم تشیع جنازه و تدفین میت.

زنان بیوه دارای شرایط و موقعیت خاصی در این آیین هستند که حتی در نسل‌های آینده او نیز تأثیرگذار است. چنانچه کسی که داوطلب روحانی شدن است، در کنار مهارت در خواندن متون دینی و برخورداری از سلامت جسمی و توانایی در اجرای مناسک و نیز شناخته شدن به تدین و پاکدامنی و ... لازم است که، پدران آنها تا سه نسل، سابقه ازدواج با زنان بیوه نداشته باشند. (عربستانی، ۱۳۸۳: ۱۵۵)

نکته قابل توجه دیگر در باب ازدواج و خانواده صابئین، این است که اگر چه تعدد زوجات در این آیین پذیرفته شده است، اما یکی از سالخورده‌گان آنها ادعا می‌کند که تاکنون در بین این طایفه، از دو همسری بیشتر ندیده است.

## ملواشه

هر مندائی لازم است یک نام دینی داشته باشد. نامی که هر مندائی با آن نام تعمید می‌شود، ازدواج می‌کند و به خاک سپرده می‌شود. بدون این نام، اجرای مناسکی چون تعمید و ازدواج ممکن نیست. زیرا در بخش‌هایی از مناسک دینی، لازم است که در حین قرائت بوته‌های مخصوص، ملواشه فرد ذکر گردد. این موضوع در مهم‌ترین آیین‌های مندائیان، یعنی تعمید، ازدواج و تدفین، نمود عینی می‌یابد.

- برنجی، سلیم. ۱۳۶۷. قوم از یاد رفته. تهران، انتشارات دنیای کتاب.

- پور کاظم، حاج کاظم. ۱۳۸۰. صابئین یایادگاران آدم. سرزمین خوز. سوسنگرد.

- خمیسی، ساهی. ۱۳۸۳. صابئین قوم همیشه زنده تاریخ. پرسش و پاسخ درباره صابئین مندائی. اهواز. آیات.

- دلاشوا، م. ۱۳۶۶. زبان رمزی قصه‌های پریوار. ترجمه جلال ستاری. تهران. انتشارات توس.

- دهخدا، علی اکبر. ۱۳۶۵. لغتنامه. تهران. مؤسسه دهخدا.

- طباطبایی، محیط. ۱۳۶۳. صابئین اهل کتاب. یادنامه استاد شهید مطهری. زیر نظر عبدالکریم سروش. تهران. انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

- عربستانی، مهرداد. ۱۳۸۳. تعمیدیان غریب. مطالعه‌ای مردم‌شناسی در دین‌ورزی صابئین مندائی ایران، تهران. افکار: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).

- فروزنده، مسعود. ۱۳۷۷، تحقیقی در دین صابئین مندائی (باتکیه بر متون مندائی). تهران، سماط.

- ماتسوخ، رودلف. ۱۳۳۹. «مسأله قدیمی ترین تاریخ مذهب صبی و اهمیت آن برای تاریخ مذهب». مجله فرهنگ ایران زمین. ج ۸. زیر نظر ایرج افشار.

- ماهنامه بیت مندا. ۱۳۸۶ و ۱۳۸۵. زیر نظر «انجمن صابئین مندائی». س ۷. ش ۶۷، ۶۸ و ۶۹.

به آن اشاره گردید، تعیین می‌شود دارای مقدرات خاصی است. به این معنی که سعد و نحس خاصی را بیان می‌کند. این سعد و نحس، تا حدود زیادی با توجه به کتاب فلسفا، عاملی برای تعیین زمان برای کارها و امور مهمی چون ازدواج و ... محسوب می‌شود.<sup>۲۲</sup>

## اخلاق خانوادگی

ارتباط درون گروهی و تلاش نکردن برای ارتباط با افراد بیرون از دایره خانوادگی و عشیره‌ای، از مختصات بارز صابئین است؛ اگرچه در سال‌های اخیر، برای رفع این مسأله، توسط بزرگان آنها، تلاش‌های مؤثری صورت گرفته است. به نظر می‌رسد آرامش و سکوت حاکم بر روابط اجتماعی آنها، در روابط خانوادگی این گروه نیز مشهود است. این آرامش در سایه تبعیت اعضا از پدر و بزرگ خانواده برقرار شده است. چنان‌چه بوته‌هایی از گنزار با نیز، به تبعیت از پدر و برادر بزرگ فرمان می‌دهد.

معیشت خانواده، کاملاً بر محور پدر و افراد ذکور خانواده برقرار است. بنابراین در حال حاضر، زنان کمتر در بیرون از خانه اشتغال دارند.

هنگام بروز مشکلات خانوادگی، معمولاً مراجعه به گنزورا یا رئیس قوم کارگشا است. البته در حال حاضر، با توجه به تشکیل «شورای حل اختلاف شعبه صابئین اهواز» و امکان مراجعه به محاکم قضایی در صورت بروز اختلافات خانوادگی، این‌گونه اختلافات و مشکلات، با توجه به قوانین مدنی و جاری کشور حل و فصل می‌گردد.

## منابع

- افشار سیستانی، ایرج. ۱۳۶۶. نگاهی به تاریخ خوزستان. تهران. نشر هنر.

- امام شوشتری، سید محمد. ۱۳۳۱، تاریخ جغرافیایی خوزستان. تهران. مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر.

۲۲. برای کسب اطلاعات بیشتر به عربستانی، همان، صص ۷۶-۸۰ مراجعه شود.

